

بررسی اثر جهانی شدن بر صنایع نساجی، پوشاک و چرم طی

دوره ۷۸-۱۳۵۷

دکتر محسن نظری *

معصومه بازرگانی کیا**

چکیده

جهانی شدن، پدیده ای است که بروز آن در عصر حاضر، موجب تغییر و تحولات زیادی در جنبه های مختلف شده است. جهانی شدن اقتصاد، به رشد وابستگی اقتصادی بین کشورها در سطح جهان و افزایش حجم مبادلات و نوع مبادلات مرزی کالا و خدمات و همچنین تسریع فن آوری اشاره دارد. با توجه به قدمت و اهمیت صنایع نساجی، پوشاک و چرم و امکان پیوستن ایران به WTO، بررسی اثر جهانی شدن بر این صنایع، ضروری به نظر می رسد. در این مقاله، برای اندازه گیری جهانی شدن از دو متغیر LIT^۱ (معیار سطح تجارت بین المللی) و IIT^۲ (معیار ادغام تجارت بین المللی) استفاده نموده و اثر جهانی شدن بر کارآیی فنی و صادرات صنایع نساجی، پوشاک و چرم (کد ۳۲ ISIC) را مورد بررسی قرار داده ایم. توابع اقتصادسنجی برازش شده نشان می دهد که جهانی شدن، اثرات منفی بر کارآیی فنی و صادرات صنایع نساجی، پوشاک و چرم دارد. جهانی شدن اقتصاد می تواند کارآیی فنی و صادرات این صنایع را کاهش دهد. بررسی روند دومتغیر مورد استفاده و نتایج توابع اقتصادسنجی برازش شده، بیانگر این موضوع می باشد که صنایع نساجی، پوشاک و چرم، هنوز در روند مثبت جهانی شدن قرار نگرفته است و این صنایع در صورت عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی مشکل خواهد داشت.

کلید واژه

جهانی شدن، LIT (سطح تجارت بین المللی)، IIT (ادغام تجارت بین المللی)، کارآیی فنی، صادرات.

*- عضو هیأت علمی دانشگاه بوعلی سینا همدان.

** - کارشناسی ارشد اقتصاد.

1- Level of International Trade.

2- Integration of International Trade.

۱- مقدمه

در حال حاضر، ادغام در اقتصاد جهانی امری اجتناب ناپذیر شده است. از یک طرف، گسترش دامنه احتیاجات و از طرف دیگر، تخصصی شدن تولید و پیدایش فن آوری پیشرفته در این تولیدات، باعث شده است تا هیچ کشوری بی نیاز از دیگر کشورها نباشد. «جهانی شدن» مهمترین و بارزترین وجه تمایز اقتصاد «دیروز» و «امروز» جهان است. نخستین سؤالی که باید برای پاسخگویی به آن تلاش کنیم، شناخت ماهیت جهانی شدن است. تاکنون تعریف روشنی از «جهانی شدن» ارائه نشده است؛ زیرا این پدیده به حد نهایی تکامل خود نرسیده است. در این مقاله به تعدادی از تعاریف جهانی شدن بدین شرح می توان اشاره نمود:

پرفسور کول با بهره گیری از تعریف «سازمان همکاری و توسعه اقتصادی»، جهانی شدن را الگوی تکامل یابنده ای از فعالیتهای فرامرزی بنگاهها و شرکتهای تعریف می کند که شامل سرمایه گذاری بین المللی، تجارت و همکاری برای ابداع و نوآوری و توسعه فرآورده های تازه و نو، تولید، منبع شناسی و بازاریابی است. [۱]

آنتونی گیدز، جهانی شدن را فشردگی روابط اجتماعی می داند؛ به نحوی که مکانهای دور را چنان به هم می پیوندد که اتفاقاتی در فواصل بسیار دور از دسترس رخ داده و باعث شکل گیری رخ دادهای محلی می شود. [۶]

به نظر مک ایوان^۱، روند جهانی شدن اقتصاد، به سوی توسعه و توزیع گسترده تر، آزاد و بین المللی و البته بدون حد و مرز و نیز روابط و مبادلات تجاری و اقتصادی می باشد. [۲]

صندوق بین المللی پول،^۲ جهانی شدن را ادغام وسیع تر و عمیق تر تعریف می کند. به عبارت دیگر، صندوق بین المللی پول، جهانی شدن را رشد و وابستگی متقابل کشورها در سراسر جهان، از طریق افزایش حجم و تنوع مبادلات کالا و خدمات و جریان سرمایه در ماورای مرزها و همچنین از طریق پخش گسترده و وسیع تر فن آوری می داند. [۸]

1- A. Macewan.

2- IMF.

۱-۱- سابقه تاریخی جهانی شدن

مفهوم جهانی شدن، از اوایل دهه ۱۹۸۰ به بعد متداول شد و در دهه ۱۹۹۰، ظهور و بروز عینی تری پیدا کرد [۷]. در مجموع، افت نرخ رشد اقتصاد در دهه ۱۹۷۰، منجر بدان شد که شرکتهای بزرگ، در جستجوی بازارهای نو برآیند و تحولات فن آوری و انقلاب انفورماتیک نیز زمینه ساز بروز فرایند جهانی شدن اقتصاد شدند. [۶]

پایان جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق، در تشدید روند جهانی شدن نقش اساسی داشت و زمینه های بسط و گسترش وجوه مختلف آن را بیش از پیش فراهم ساخت. [۷]

این عقیده نیز وجود دارد که اتفاقاتی نظیر تأسیس سازمان ملل متحد (۱۹۴۵)، انتشار کتاب "دهکده جهانی" توسط مک لوهان (۱۹۶۵)، انتشار "کتاب میراث مشترک ما" اروید پارادو (۱۹۶۸)، همایش استکهلم درباره محیط زیست (۱۹۷۲)، پایان برتن وودز - کنفرانس پلازا (۱۹۷۵)، انتشار کتاب موج سوم توسط الوین تافلر (۱۹۷۸)، سیاست درهای باز تنگ شیائوپنگ (۱۹۷۹)، انتشار آینده مشترک ما، کمیسیون برانت (۱۹۸۶)، پایان جنگ سرد (۱۹۸۹) و اتحاد پولی یازده کشور اروپایی (۱۹۹۸)، همگی از پیش زمینه های جهانی شدن می باشد.

۱-۲- ویژگی های جهانی شدن

سیموز ویژگیهای جهانی شدن را در موارد زیر می داند:

- ۱- مرزهای ملی برای جدا سازی بازارها اهمیت خود را از دست می دهند.
- ۲- فعالیتهای تولیدی و فرامرزی تخصصی می شوند و بنابراین، سبب شکل گیری شبکه های تولیدی چند ملیتی می گردند.
- ۳- قدرتهای چند پایه فن آورانه شکل می گیرند که در نهایت، به همکاری بیشتر بین بنگاههای بین المللی منتهی می شود.
- ۴- شبکه های اطلاعاتی جهانی همه جهان را به یکدیگر مرتبط و وابسته می کند.
- ۵- همبستگی بالاتری در مراکز مالی دنیا به وجود می آید. [۵]

۳-۱- اثرات جهانی شدن

افزایش رقابت: یکی از مهمترین دستاوردهاست. با کاهش هزینه های حمل و نقل، رشد حیرت انگیز فن آوری اطلاعات و گسترش تجارت الکترونیک و درحالت کلی به حداقل رسانیدن نقش مرزهای جغرافیایی در فعالیتهای اقتصادی، بنگاههای اقتصادی کلیه بازارهای جهانی را بازار خود می دانند. [۱۲]

۳-۲-۱- گسترش تقسیم کار بین المللی: جهانی شدن باعث توسعه بازارها در ماورای مرزهای ملی خواهد شد و ابعاد بازار برای صدور کالا را به میزان چشمگیری گسترش خواهد داد. به طور طبیعی، رقابت در این نوع بازارها به مراتب مشکلتر از بازارهای داخلی خواهد بود. این پدیده، منجر به تخصصی شدن فعالیتها و به تبع آن یک نوع تقسیم کار بین المللی خواهد شد. [۱]

۳-۳-۱- تحرک بیشتر سرمایه: با جهانی شدن اقتصاد، سرمایه با آزادی بیشتر حرکت خواهد کرد، در نتیجه در صورت وجود زمینه های مستعد برای تولید، سرمایه در پی بهره گیری از استعدادها به آنجا خواهد رفت. [۱]

۳-۴-۱- وابستگی بیشتر اقتصاد کشورها: از دیگر دستاوردهای جهانی شدن، وابستگی بیش از پیش اقتصاد کشورهای جهان به هم است، به طوری که افزایش رقابت از یک سو و وابستگی بیشتر اقتصاد کشورها به هم از سوی دیگر، صحنه و شرایط دیدنی و جالب را در دهکده جهانی به وجود آورده است. [۱۲]

۳-۵-۱- کاهش نقش دولت: این پدیده منجر به کم رنگ شدن نقش دولتها در دخالت مستقیم در فعالیتهای اقتصادی می شود. [۱]

۳-۶-۱- تعدیل ساختار: جهانی شدن موجب تعدیل ساختارها می شود، به ترتیبی که برخی برنده این فرایند خواهند شد و برخی بازنده می مانند. در این فرایند، نیروی کار ماهر معمولاً برنده است. [۱]

۳-۷-۱- گسترده شدن فعالیت شرکتهای چند ملیتی: جهانی شدن باعث گسترش فعالیت شرکتهای چند ملیتی خواهد شد. [۱۲]

۸-۳-۱- انتقال فن آوری: جهانی شدن باعث انتقال فن آوری در ماورای مرزهای ملی خواهد شد و با ایجاد فضاهای رقابتی، تلاشها در جهت خلق فن آوری جدید، برای بالا بردن قدرت رقابت پذیری افزایش خواهد یافت. [۱]

۴-۱- ابزارهای جهانی شدن

در یک تقسیم بندی کلی، ابزارهای جهانی شدن را می توان به چهار دسته تقسیم کرد که عبارت اند از:

۱-۴-۱- تجارت بین الملل: واضح است هر چه حجم مبادلات کشورها بیشتر باشد، میزان ارتباط و وابستگی میان آنها افزایش یافته و ادغام اقتصاد و جهانی شدن سهلتر خواهد شد. بر اساس نظریه های اقتصادی، برقراری تجارت آزاد منجر به شکل گیری نظام تولید کشورها بر پایه مزیت نسبی شده و به تبع آن از منابع موجود در کشورها به نحو مؤثرتری استفاده خواهد شد.

۲-۴-۱- سرمایه گذاری مستقیم خارجی و سایر جریانهای سرمایه: سرمایه گذاری مستقیم خارجی، قابلیت افزایش تولید کالاها را در کشور جذب کننده سرمایه دارد. همچنین در صورت وضع مالیات بر سود کشورها، سرمایه گذاری مستقیم خارجی، یک منبع درآمد اضافی برای کشور میزبان ایجاد خواهد کرد. علاوه بر موارد فوق، سرمایه گذاری مستقیم خارجی باعث انتقال فن آوری و مهارتهای مدیریتی شده و بازاریابی برای محصولات تولیدی کشورهای پذیرای سرمایه را آسانتر خواهد کرد.

۳-۴-۱- بین المللی شدن تولید: منشأ منحصر به فرد مزیت نسبی در جهان امروز، دانش و مهارت است. از این رو مزیت رقابتی، مکمل مزیت نسبی است. به عبارت دیگر، مزیت نسبی در جهان امروز دانش و مهارت است.

۴-۴-۱- تبادل فن آوری: یکی از عوامل مهم و مؤثر در فرایند جهانی شدن (به خصوص طی دهه گذشته) پیشرفت و جهان گرایی فن آوری بوده است. [۱]

۵-۱- تاریخچه گات

با توجه به نقش مهم تجارت جهانی در صحنه اقتصاد بین الملل و تلاش کشورها برای گسترش سهم خود در تجارت جهانی در دوران پس از جنگ جهانی دوم و به منظور بهره‌مندی بیشتر از مزایای بازرگانی، کشورها پیوسته در کار فراهم ساختن شرایط و زمینه‌های مساعد برای هماهنگی بیشتر در رویه‌ها و رفتارهای تجاری میان خود بوده‌اند.

موافقتنامه عمومی تجارت GOT در راستای تحقق بخشیدن زمینه‌های مناسب و در عرصه تجارت جهانی و به منظور سازگار نمودن خط مشی‌ها، استراتژیها و سیاستهای تجاری کشورها شکل گرفت تا در افقی بلندمدت، با ایجاد تفاهم و درک متقابل و چند جانبه میان کشورها، شرایط امن و با ثباتی را برای انجام تجارت آزاد پدید آورد تا هر تبعیضی در صحنه تجارت منع شود.

همچنین در این هفت دور، توافق‌ها و توصیه‌هایی برای تعدیل و حذف یارانه‌ها، تشویق‌ها و معافیت‌های موردی و خاص صورت گرفت که بیشتر موافقتنامه‌ها، شامل محصولات و کالاهای صنعتی و کارخانه‌ای بود.

۶-۱- دور اروگوئه

دور هشتم مذاکرات، جنجالی‌ترین دور مذاکرات گات محسوب می‌شود و به دور اروگوئه معروف می‌باشد که در سال ۱۹۸۶ در پانادال ایسته اروگوئه شروع و در دسامبر ۱۹۹۳ پایان یافت. اهمیت این دور مذاکرات، بیشتر به دلیل اوج‌گیری بحران بدهی‌ها و کند شدن روند رشد اقتصاد جهانی بود که از اوایل دهه ۱۹۸۰ آغاز شد. سردمداران اقتصاد جهانی به منظور جلوگیری از یک بحران جهانی دیگر، به تمهیداتی، از قبیل برنامه‌های تعدیل ساختاری و آزاد سازی اقتصادی توسل جستند و دور اروگوئه آخرین راه حل این سیاستهای پیشگیری از بحران محسوب می‌شد. در دور اروگوئه بر خلاف دوره‌های گذشته، محور مذاکرات محدود به کاهش تعرفه‌ها و تجارت کالا نبود، بلکه تدوین اصول و مقررات کلی تجارت خدمات شامل بیمه، بانکداری، حمل و نقل، استفاده از حقوق معنوی از قبیل مبتکرین، مؤلفین، منصفین، تجارت منسوجات و پوشاک و به خصوص محصولات کشاورزی، به طور جدی در دستور کار مذاکرات قرار گرفت. [۴]

گفتگوهای دور اروگوئه بر مبنای ۱۵ اصل، به شرح زیر استوار بود:

۱- تعرفه‌ها؛ ۲- موانع غیر تعرفه ای بر سر راه گسترش تجارت؛ ۳- محصولاتی که دارای منشأ طبیعی است و نهایتاً ثروت‌های ملی محسوب می شود؛ ۴- محصولات گرمسیری؛ ۵- منسوجات و پوشاک؛ ۶- محصولات کشاورزی؛ ۷- مقررات مربوط به ضد دامپینگ؛ ۸- شرط فرار، مربوط به مواردی که کشورها پیروی از مقررات گات را عملاً مخالف منافع ملی و قوانین خود می یابند؛ ۹- یارانه (سوبسید) که اصولاً گات همیشه آنها را به عنوان یک نوع حمایت غیر معقول از تولیدات داخلی، در برابر سیر آزاد مبادلات بین المللی تلقی کرده و به هر صورت، برقراری یارانه های نقدی را به کمک‌های غیرنقدی، بویژه به صادرکنندگان که آن را نوع معقولانه ای از دامپینگ تلقی کرده، ترجیح داده است؛ ۱۰- حمایت از حقوق مالکیت معنوی؛ ۱۱- سرمایه گذاری مرتبط با تجارت؛ ۱۲- حل و فصل منازعات تجاری بین المللی؛ ۱۳- تجارت خدمات؛ ۱۴- تجدید نظر در برخی از اصول و مقررات گات؛ ۱۵- ارزیابی عملکرد سیستم گات.

سرانجام، در سال ۱۹۹۱ میلادی قرار شد که این موضوعات پانزده گانه به هفت موضوع، محدود و برای هر یک کمیته اختصاصی تشکیل شود، که همین، اساس توافق نهایی را فراهم کرد. این هفت موضوع عبارت است از:

۱- دسترسی به بازارها؛ ۲- پارچه و پوشاک؛ ۳- کشاورزی؛ ۴- مقررات و سرمایه گذاریهای مربوط به امور تجاری؛ ۵- حقوق مالکیت معنوی مربوط به تجارت؛ ۶- نهادها؛ ۷- خدمات وابسته به بازرگانی.

۱-۷- ویژگیهای اصلی نتایج دور اروگوئه

ویژگیهای اصلی نتایج این دور را می توان به شرح ذیل خلاصه نمود:

- کاهش تعرفه هایی که کشورها متعهد به اعمال آن بر محصولات صنعتی هستند، بسیار بالاتر از مقادیری است که در دور توکیو صورت گرفت.

- با تصویب موافقتنامه راجع به منسوجات و پوشاک، کشورها توافق نموده اند محدودیتهایی را که طبق ترتیبات لیاف چندگانه وجود دارد، ظرف یک دوره ده ساله یعنی تا اول ژانویه ۲۰۰۵ تدریجاً حذف کنند.

- موافقتنامه راجع به کشاورزی، چارچوبی را برای قرار دادن تدریجی تجارت محصولات کشاورزی تحت نظامات گات و برای آزاد سازی تجارت در این بخش ایجاد کرده است.

- کشورهای در حال توسعه و اقتصادهای در حال گذار که فعالانه در مذاکرات شرکت نموده اند، تعرفه های صنعتی و کشاورزی خود را کاهش داده اند.

- تقریباً تمامی تعرفه های کشورهای توسعه یافته، در برابر افزایش های بسیار، تثبیت شده است. در کشورهای در حال توسعه و دارای اقتصاد در حال گذار، سهم تعرفه هایی که تثبیت گردیده، به طور قابل ملاحظه ای افزایش یافته است. [۳]

۱-۸- نتایج مذاکرات دور اروگوئه در بخش پوشاک و منسوجات

در دور اروگوئه در مورد منسوجات و پوشاک نیز مذاکراتی انجام شد و تجارت این موارد، مشمول سیستم تجارت چند جانبه، موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت شد. بدین ترتیب، مبادلات بین المللی اینگونه کالاها نیز تحت پوشش گات قرار گرفت. در مورد بخش منسوجات و پوشاک این موارد توافق گردید:

- کشورهای صنعتی موافقت کردند که در مدت ۱۰ سال، محدودیتهای سهمیه ای در مورد واردات منسوجات و پوشاک را لغو کنند.

- تا سال ۱۹۹۵ کشورها مجاز خواهند بود، ۱۶ درصد از تقاضاهای داخلی خودشان را در زمینه منسوجات و پوشاک وارد کنند.

- تا سال ۱۹۹۸، ۲۰۰۲ و ۲۰۰۵، واردات منسوجات و پوشاک به ترتیب تا ۱۷، ۱۸ و ۴۹ درصد نیاز داخلی، افزایش خواهد یافت. بنابراین، تا سال ۲۰۰۵ کشورهای صنعتی هیچ محدودیتی در زمینه صدور منسوجات و پوشاک به طرفهای تجاری خودشان ندارند.

- آمریکا موافقت کرده است، حقوق گمرکی مربوط به واردات خود را به ۲۵ درصد نرخ فعلی کاهش دهد. [۱۰]

۲- روش تحقیق

۲-۱- روش اندازه گیری جهانی شدن

مطالعات انجام شده در زمینه اندازه گیری جهانی شدن به شرح زیر می باشد:

سیگر^۱، متغیر جریان تجارت صنعتی بین شمال و جنوب را نسبت به تولید ناخالص داخلی (GDP) که نشان دهنده ادغام جنوب در تجارت جهانی می باشد و تغییر قیمت‌های نسبی را به عنوان شاخصهای جهانی شدن در مطالعه خود مطرح کرد. وی مطالعه خود را بر روی کشورهای عضو OECD انجام داد. [۱۶]

لیندا بیر و تری باسول، در سال ۲۰۰۱ مطالعه ای در زمینه اثر جهانی شدن بر نابرابری توزیع درآمد انجام داده اند که در این مطالعه نشان داده شده است که جهانی شدن نابرابری درآمدها را به دنبال خواهد داشت و بیان می کنند که با توجه به وابستگی کشورها به سرمایه گذاری خارجی در شرایطی که ادغام در تجارت جهانی داریم، جهانی شدن باعث افزایش این نابرابری خواهد شد. [۱۴]

گرت^۲ (۱۹۹۵، ۱۹۹۸) و رودریک^۳ (۱۹۹۸)، اثر یکپارچگی تجاری بر رفتار مصرف عمومی را با استفاده از متغیر مجموع صادرات و واردات، نسبت به GDP مورد مطالعه قرار داده اند. در بررسی یکپارچگی بازار سرمایه نیز متغیرهایی، از قبیل سرمایه گذاری مستقیم خارجی (سوانک^۴ و گرت)، استقراض از بازارهای بین المللی (سوانک)، قدر مطلق نرمال شده تفاوت بین پس انداز و سرمایه گذاری (کوساک^۵)، درجه آزادسازی بازار سرمایه (گرت، کوین^۶ و سوانک)، به عنوان شاخصهای جهانی شدن در مطالعات به کار برده شده اند. [۱۳ و ۱۵]

مطالعه دیگری که توسط مونا مخی جا^۷ و کونگ سوکیم^۱ و ساندر ویلیامسون^۲ در مورد صنایع شیمیایی و کارخانه ای پنج کشور (آمریکا، ژاپن، فرانسه، آلمان، انگلستان)

1- Seager.

2- Garrett.

3- Rodrik.

4- Swank.

5- Cusack.

6- Quinn.

7- Mona r. Makhija.

انجام شده است، یکی از جالب ترین مطالعات در زمینه جهانی شدن می باشد. در این مطالعه، دو معیار برای جهانی شدن ارائه شده است که از این دو معیار در این مقاله برای اندازه گیری جهانی شدن استفاده شده است.

۱-۱-۲- معیار سطح تجارت بین المللی^۳ (LIT): این معیار، برای تمایز صنعتها

با ارتباطات بین المللی کمتر و بیشتر است. LIT، سهم تجارت بین المللی در ارتباط با کل مصرف صنعت (نسبت به سائز بازار) را نشان می دهد. کل مصرف به وسیله کل تولیدات صنعتی و واردات، منهای صادرات اندازه گیری می شود. این معیار در واقع همان معیار موریس و روت می باشد:

$$LIT_{ii} = \frac{X_{ii} + M_{ii}}{P_{ii} + M_{ii} - X_{ii}} \quad [۲-۱]$$

برای هر صنعت i در سال t ، LIT_{it} سطح تجارت بین المللی، X_{it} صادرات، M_{it} واردات، P_{it} سطح تولیدات می باشد.

LIT کوچکتر، نشان می دهد که ارتباطات بین المللی صنعت (واردات و صادرات) جنبه مهم صنعت نیست و صنعت با توجه به حجم کم تولید خود، کمتر در تجارت شرکت می کند و برعکس.

LIT، اگر چه شاخص بسیار مناسبی است، اما شرط لازم بوده و شرط کافی برای اندازه گیری جهانی شدن اقتصاد به شمار نمی آید.

۱-۲-۲- معیار ادغام تجارت بین المللی^۴ (IIT): این معیار همان شاخص تجارت،

بین صنعت گرین ویل و میلنر^۱ (۱۹۸۶) و گروبل و لوید^۲ (۱۹۷۵) و هانسون^۳ (۱۹۸۷)

1- Kwang soo kim.

2- Sandra Williamson.

3- Level of International Trade.

4- International Trade Integration of Industry.

می باشد که ادغام جهانی یک صنعت را اندازه گیری می کند.

$$IIT_{ii} = 1 - \frac{IX_{ii} - M_{ii}I}{M_{ii} + X_{ii}} \quad [2-2]$$

برای هر صنعت i در سال t ، IIT_i ادغام تجارت بین المللی، X_i صادرات و M_i واردات می باشد.

طبق تعریف، IIT بین صفر و یک قرار می گیرد. صفر نشان دهنده نبودن تجارت در درون صنعت (یعنی تجارت فقط شامل صادرات یا واردات می باشد) است و یک بیانگر تجارت درون صنعتی کامل می باشد.

محققان دریافته اند که IIT ، شاخص مناسبی برای فهم جهانی شدن در یک صنعت است؛ زیرا:

الف - شواهد تجربی و کاربردی موجود اطمینان می دهد که IIT تابع از عواملی می باشد که برای جهانی شدن شناسایی شده اند.

ب - مطالعات پیشین نشان می دهد که IIT با اکثر عوامل مؤثر بر جهانی شدن رابطه مثبت دارد که می توان به عوامل زیر اشاره نمود:

۱- سلیقه مشترک یا تشابه تقاضا در بازار کشورهای مختلف، برای محصول مشخص (بالاسا^۴ ۱۹۸۶ و ۱۹۸۸، لوشر و والتر^۵ ۱۹۸۰، پاگولاتوس و سرنسن^۶ ۱۹۷۶، تاکاران^۷ ۱۹۸۳).

۲- صرفه جویی های اقتصادی (گرین وی ۱۹۸۶ و میلنر ۱۹۸۶، لاندبرگ^۸ ۱۹۸۲، تو^۱ ۱۹۸۲).

1 - Milner.

2- Grubel and Loyd.

3- Hanson.

4- Balasa.

5- Loertscher & Wolter.

6- Pagoulatus & Sorenson.

7- Thakaran.

8- Lundberg.

۳- ساختار بازار رقابتی (تو ۱۹۸۲، گرین وی و میلر ۱۹۸۶)

۴- موانع تعرفه ای و غیر تعرفه ای کمتر (لی ۱۹۸۹، پاگولاتوس و سرنسن ۱۹۷۵)،

سبب افزایش این شاخص خواهد شد.

۵- سرمایه گذاری مستقیم خارجی و ظهور شرکتهای چند ملیتی (کیوز

۱۹۸۱ و لی ۱۹۸۹) که هرچه سرمایه گذاری مستقیم خارجی و ظهور شرکتهای چند ملیتی

بیشتر باشد، IIT بزرگتری را خواهیم داشت.

نتایج مطالعات مذکور نشان می دهد که IIT، شاخص مناسبی برای نشان دادن روند

جهانی شدن است.

دو معیار معرفی شده LIT و IIT با هم، تشخیص چهار نوع از صنعت بین المللی را که

پورتر (۱۹۸۶) و بارتلت و گوشال (۱۹۸۹) بحث نموده و در نمودار (۳-۱) به نمایش

درآمده است را ممکن می سازد.

آنها چهار نوع صنعت را در نمودار مشخص نموده اند که به شرح زیر است:

الف - صنعت چند جانبه داخلی: که در آن، رقابت در یک کشور، مستقل از بقیه

کشورها می باشد. در این حالت، LIT کوچک به همراه IIT بزرگ نشان می دهد که

صادرات و واردات نقش مسلط ندارند و صنعت، از نوع چند جانبه داخلی است. IIT و LIT

با هم این واقعیت را منعکس می کنند که واردات و صادرات گرچه در تعادلند، ولی

بخش کوچکی از تولید داخلی هستند. (منطقه A)

ب - صنعت چند جانبه داخلی در حال انتقال: در این حالت، LIT کوچک (برتری

کم صادرات یا واردات) می باشد که مرحله بالاتری از جهانی شدن را نسبت به منطقه A

نشان می دهد. در این مرحله، تأکید نسبتاً معنی داری بر روی صادرات یا واردات وجود

دارد. (منطقه B)

ج - صنعت جهانی ساده: در این حالت دامنه رقابت صنعت وسیع شده و از مرزهای

ملی فراتر رفته است. در این منطقه، LIT بالا نشان دهنده ارتباط بین المللی بالا و IIT

کوچک، میانگر تجارت با برتری اندک صادرات می باشد. چنین صنعتی، محصولات نهایی یا تقریباً نهایی را به کشورهای دیگر صادر می کند. (منطقه C)

د- صنعت جهانی یکپارچه: در این حالت، رقابت بین المللی بالایی برقرار بوده و مزیت نسبی، از پراکنش جغرافیایی فعالیت‌های ارزش افزا حاصل می گردد. IIT و LIT بزرگ در آن حال بیان کننده تجارت جهانی مسلط بر صنعت داخلی است. به عبارتی، در این صورت، واردات و صادرات زیاد صورت می گیرد. (منطقه D) [۱۵].

۳- نتایج و تجزیه و تحلیل آماری

۳-۱- بررسی روند جهانی شدن در صنایع نساجی، پوشاک و چرم

در این قسمت، با استفاده از دو شاخص مطرح شده LIT (معیار سطح تجارت بین المللی) و IIT (معیار ادغام تجارت بین المللی)، تلاش می گردد که جایگاه صنایع نساجی، پوشاک و چرم در روند جهانی شدن مشخص گردد.

LIT با استفاده از این اطلاعات، برای دوره ۷۸-۱۳۵۸ محاسبه شده و در نمودار (۲) به نمایش درآمده است. نمودار نشان می دهد که این شاخص بین سالهای ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۸، همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی و شروع جنگ تحمیلی (به جز در سال ۱۳۶۲) پیوسته در حال کاهش بوده است. در طی این سالها، اگر چه تولید تا سال ۱۳۶۴ روند افزایشی طی کرده است؛ ولی صادرات، روند کاهشی و واردات، روند افزایشی داشته است. لازم به یاد آوری است که در طی این سالها، کشور، فاقد راهبرد تجاری معین بوده است.

شاخص LIT از سال ۱۳۶۹ تا سال ۱۳۷۳، روند افزایشی داشته است. این روند افزایشی، به دلیل اتخاذ سیاست تشویق صادرات همراه با محدودیتهای واردات طی سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲ (برنامه اول توسعه اقتصادی) می باشد.

در سال ۱۳۷۳، شاهد افزایش بسیار زیاد این شاخص می باشیم (این سال در نمودار (۲) نمایش داده نشده است). این افزایش، ناشی از آن است که در سال ۱۳۷۳، اخذ پیمان ارزی بابت صدور کالاهای غیر نفتی لغو شد و محدودیتهای وارداتی شدید اعمال گردید (۲۵)، به طوری که انجام واردات در مقابل صادرات، در صورتی مجاز تلقی شد که ابتدا، ارز

حاصل از صادرات به کشور معرفی و سپس از محل آن، واردات انجام می شد. LIT در طی سالهای ۷۳-۱۳۶۸، تا حدودی حرکت در روند جهانی شدن را نشان می دهد. از سال ۷۴ تا ۷۸ هم شاهد کاهش در این شاخص بوده ایم. طی این سالها، کاهش صادرات و افزایش واردات صنایع نساجی، پوشاک و چرم را هم داشته ایم.

معیار دوم، IIT (معیار ادغام تجارت بین المللی) بر اساس رابطه [۲-۳] محاسبه گردیده و در نمودار (۳) نمایش داده شده است. این رابطه، تنها بر اساس تجارت (صادرات و واردات) بوده و تولید در آن بی تأثیر است. نمودار نشان می دهد که این شاخص طی سالهای ۶۰-۵۸ افزایش داشته است که افزایش آن به دلیل کاهش صادرات و افزایش واردات بوده است. در سالهای ۱۳۶۴ تا ۱۳۷۰، این شاخص در حد بالایی است که نشان می دهد حجم صادرات و واردات تقریباً در تعادل بوده است. از سال ۷۱ تا ۱۳۷۳ این شاخص، روند نزولی داشته است و در سال ۱۳۷۳ به پایین ترین مقدار، کاهش یافته است که این مورد به خاطر بالا بودن صادرات در این سال، با توجه به سیاستهای توضیح داده شده می باشد. در طی سالهای ۷۸-۷۴ هم شاخص IIT (معیار ادغام تجارت بین المللی)، روند صعودی طی کرده است.

لازم به توضیح است که به دلیل متغیر بودن سیاستها و نامناسب بودن بعضی از سیاستها (مانند پیمان ارزی و قیمت گذاری بیش از حد محصولات صادراتی)، نوسانات زیادی در شاخص IIT (معیار ادغام تجارت بین المللی) مشاهده می کنیم.

بعد از بررسی روند این دو شاخص، به بررسی همزمان دو شاخص پرداخته تا وضعیت صنایع نساجی، پوشاک و چرم را مطابق نمودار (۱) مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم.

بررسی دو شاخص محاسبه شده، نشان می دهد که در بیشتر سالهای مورد نظر، این صنایع در منطقه A یعنی صنعت چند جانبه داخلی قرار دارد و فقط در سالهای ۵۸، ۷۳، ۷۴ و ۷۵ در منطقه صنعت جهانی ساده (منطقه C) قرار دارد. این امر نشان دهنده این مورد است که صنایع نساجی، پوشاک و چرم هنوز در روند جهانی شدن قرار نگرفته اند.

۲-۳- تخمین اثر جهانی شدن بر کارآیی فنی

برای محاسبه کارآیی فنی، ابتدا باید تابع تولید مناسب، تخمین زده می شود. بعد از بررسی انواع تابع تولید، تابع تولید ترانسندنتال، تخمین زده شد که فرم نهایی تابع تخمین زده شده به صورت زیر است:

$$LY = 13/39 + 0/96LK - 0/00046K - 4/02L \quad [۱-۳]$$

$$(-1/87) \quad (2/29) \quad (-2/17) \quad (-1.67)$$

$$\bar{R}^2 = 0/79 \quad DW = 2/17 \quad F = 15/78$$

(ارقام داخل پرانتز آماره t می باشد.)

آماره t متغیرها، بیانگر این مورد می باشد که متغیرها معنا دارند. رقم $R = 0/79$ حاکی از آن است که ۷۹ درصد تغییرات متغیر وابسته، توسط متغیر مستقل توضیح داده شده است. آماره $DW = 2/17$ است و بیانگر فقدان خود همبستگی پیاپی در مدل می باشد.

بعد از تخمین تابع تولید، اساس نظریه هم انباشتگی، ایستا بودن باقیمانده تخمین را مورد بررسی قرار داده و با بهره گیری از آزمون دیکی فولر در جدول (۱) ملاحظه می گردد که باقیمانده تابع تولید در سطح ۱۰ درصد معنی دار است و نشان دهنده ایستایی باقیمانده تابع می باشد. برای تخمین کارآیی فنی با توجه به روشهای موجود، ما روش حداقل مربعات تصحیح شده COLS را در این مقاله مورد استفاده قرار دادیم و برای تخمین کارآیی به روش COLS به این صورت عمل کردیم:

جز خطای معادله [۱-۳] تخمین زده شد، جز خطاهای تخمین زده شده برخی مثبت و برخی منفی بودند، برای منفی شدن جز خطاهای مثبت، تصحیح ریچموند و گرین را انجام دادیم:

$$EFF = \exp(-\varepsilon)$$

مقدار کارآیی فنی $EFF =$

جز خطای تصحیح شده $\varepsilon =$

کارآیی فنی محاسبه شده در جدول شماره (۲) نشان داده شده است.

در این قسمت به بررسی اثر جهانی شدن بر کارآیی فنی می پردازیم. برای بررسی اثر جهانی شدن بر کارآیی فنی صنایع نساجی، پوشاک و جرم، متغیر IIT را به عنوان یک متغیر مستقل در این محاسبه وارد نموده ایم و با توجه به نسبت‌های عوامل تولید به مقدار تولید، فرم کلی رگرسیون به شرح زیر می باشد:

$$LEFF = \beta_1 LS_1 + \beta_2 LS_2 + \beta_3 LS_3 + \beta_4 LIIT$$

EFF = مقدار کارآیی فنی

$$LEFF = \log(EFF)$$

$$LS = \log(S_2) , SI = (L/Y)$$

$$LS = \log(S_2) , S2 = (K/Y)$$

$$LIIT = \log(IIT)$$

تابع در فرم نهایی به شکل زیر تخمین زده شد:

[۲-۳]

$$LEFF = -0/29LS - 0/36LS - 0/175LS - 0/139LIIT + 0/83AR(1)$$

$$\begin{matrix} (-8/01) & (-4/40) & (-3/05) & (-2/77) \end{matrix} \quad (7)$$

$$\bar{R}^2 = 0/70 \quad DW = 1/84 \quad F = 9/1$$

(ارقام داخل پرانتز آماره t می باشد).

همه متغیرها با توجه به آماره t معنی دار بوده و با توجه به \bar{R}^2 متغیرهای مستقل ۷۰

درصد تغییرات متغیر وابسته را توضیح می دهند.

نسبت نیروی کار به تولید، نسبت موجودی کل سرمایه به تولید، نسبت مواد اولیه به

تولید و معیار ادغام تجارت بین المللی (شاخص جهانی شدن) به ترتیب با کششهای

-۰/۲۹، -۰/۳۶، -۰/۱۷۵ و -۰/۱۳۹ بر کارآیی فنی تأثیر داشته است.

بعد از تخمین تابع تولید، اساس نظریه هم انباشتگی، ایستا بودن باقیمانده تخمین را مورد

بررسی قرار داده و با بهره گیری از آزمون دیکی فولر در جدول (۳) ملاحظه می گردد که

باقیمانده تابع تولید در سطح ۱۰ درصد، معنی دار است و نشان دهنده ایستایی باقیمانده تابع

می باشد.

۳-۳- تخمین تابع صادرات صنایع نساجی، پوشاک و چرم

قبل از تخمین مدل، باید از ایستایی یا نایستایی داده ها با استفاده از آزمون ریشه - واحد، روش دیکی - فولر آگاه شویم. نتایج این آزمون برای متغیرهای مدل، در پیوست آماری آمده است و مشاهده می شود که همه متغیرها در سطح اعتماد ۱۰ درصد ایستا می باشند.

تابع صادرات با توجه به مدل بیان شده به شکل زیر تخمین زده شد:

[۳-۳]

$$LXD = 4/36 + 0.71L(PX/PM) + 0.27LXD(-1) - 0/48LIIT + 0.66DVB$$

$$(5/05) \quad (4/22) \quad (1/82) \quad (-1/97) \quad (3/18)$$

$$\bar{R}^2 = 0/93 \quad \bar{R}^2 = 0/91 \quad F = 49/04$$

(ارقام داخل پرانتز آماره t می باشد.)

XD: ارزش دلاری صادرات صنایع نساجی، پوشاک، چرم.

PX: شاخص قیمت کالاهای صادراتی طی دوره مورد نظر (به قیمت ثابت سال ۱۳۶۹).

PM: شاخص قیمت کالاهای وارداتی طی دوره مورد نظر (به قیمت ثابت سال ۱۳۶۹).

XD(-1): ارزش دلاری صادرات صنایع نساجی، پوشاک و چرم با یک دوره وقفه.

LIIT: معیار ادغام تجارت بین المللی (شاخص جهانی شدن).

DVB: متغیر مجازی (سیاستهای حمایتی دولت).

به علت وجود متغیر وابسته با یک دوره وقفه در مدل، برای آزمون خود همبستگی، باید

آزمون h دورین را انجام دهیم.

آماره h دورین برابر با ۳/۲۹ درصد می باشد که با توجه به اینکه در محدود ۱/۹۶ و ۱/۹۶

- قرار می گیرد، حاکی از آن است که خود همبستگی وجود ندارد.

با توجه به ضرایب مدل، موارد زیر قابل استنباط است^۱:

= در این رگرسیون، عرض از مبدأ، معادل ۴/۳۶ برآورد شده است، یعنی با صفر بودن

متغیرهای توضیحی تأثیر بر لگاریتم صادرات در صنایع نساجی، پوشاک و چرم، معادل

۱ - قابل ذکر است که تابع صادرات مورد نظر بدون در نظر گرفتن متغیر مجازی ضریب سیاستهای حمایتی دولت نیز تخمین زده شد که با آن تابع نیز رابطه بین صادرات و متغیر جهانی شدن این صنایع منفی بود.

۴/۳۶ برآورد می شود. این ضریب تأثیر متغیرهای حذف شده از مدل، ولی مؤثر بر صادرات صنایع نساجی، پوشاک و چرم را نشان می دهد.

- ضریب نسبت شاخص قیمت کالاهای صادراتی به شاخص قیمت کالاهای وارداتی، نشان می دهد که به ازای یک درصد افزایش در این نسبت، صادرات به میزان ۷ درصد افزایش می یابد؛ یعنی با افزایش این نسبت، صادرکنندگان به صادرات بیشتر تشویق می گردند.

- ضریب مربوط به صادرات دوره قبل صنعت نساجی، پوشاک و چرم، نشان می دهد که کشش صادرات صنعت نساجی، پوشاک و چرم نسبت به صادرات دوره قبل، ۰/۲۷ می باشد؛ به طوری که بر اساس این مدل با فرض ثابت بودن سایر عوامل، یک درصد افزایش در صادرات دوره قبل می تواند، ۲۷ درصد صادرات این دوره را افزایش دهد.

- ضریب شاخص جهانی شدن (IIT)، نشان می دهد که جهانی شدن تأثیر منفی بر عرضه صادرات صنعت نساجی، پوشاک و چرم دارد و کشش صادرات به شاخص جهانی شدن، ۰/۴۸- می باشد.

- ضریب سیاستهای حمایتی دولت (DVB)، ۶۶ درصد و معنی دار می باشد. این ضریب، نشان می دهد که طی سالهایی که دولت از صادرات صنعتی و بخش صنعتی حمایت کافی کرده، شاهد رشد بیشتر صادرات بوده ایم.

حال که تابع صادرات مورد نظر را تخمین زدیم، لازم است بر اساس نظریه هم انباشتگی، ایستا بودن باقیمانده تخمین را مورد بررسی قرار دهیم، لذا با بهره گیری از آزمون دیکی فولر، باقیمانده تابع عرضه صادرات تخمین زده شده، باید بررسی شود. از جدول (۴) ملاحظه می شود که باقیمانده تابع عرضه صادرات در سطح ۱۰ درصد معنی دار است و نشان می دهد که باقیمانده تابع ایستاست و از این رو با نظریه هم انباشتگی سازگاری دارد.

۴-۳- پیشنهادات

طبق آنچه گفته شد و با توجه به مدلهای تحقیق، ضرایب برآورد شده و آزمونهای به عمل آمده، می توان گفت در دوره مورد بررسی، متغیر IIT (معیار ادغام تجارت

بین المللی) به عنوان شاخص جهانی شدن تأثیر منفی و معکوس بر کارآیی فنی و صادرات صنایع نساجی، پوشاک و چرم داشته است، بدین معنی که جهانی شدن کارآیی فنی، صادرات صنایع نساجی، پوشاک و چرم را کاهش می دهد.

با توجه به نتایج تحقیق، در صورت عضویت در سازمان تجارت جهانی، با مشکل مواجه خواهیم شد؛ زیرا با وجود قدمت چندین هزار ساله آن، از برنامه پنجم قبل از انقلاب، این صنایع از مسیر اصلی خود منحرف گردید. در واقع، به واسطه افزایش امکانات ارزی کشور، سرمایه گذاریهایی که در این صنعت صورت گرفت، به سمت تولیدات سرمایه ای و اتکا بر مواد اولیه وارداتی بوده است.

برای بهبود وضعیت صنایع نساجی، پوشاک و چرم این پیشنهادات ارائه می گردد:

۱- جهانی شدن در صورتی اثر مثبت خواهد داشت که بخش یا بخشهایی از اقتصاد، توانایی عرضه به بازارهای جهانی را داشته باشد و درباره صنایع نساجی، پوشاک و چرم، آزاد سازی تجاری زمانی سودمند است که در بخشهایی از آن که قدرت رقابت وجود دارد، سرمایه گذاری لازم صورت پذیرد که شناسایی این بخشها و ایجاد ثبات اقتصادی لازمه آن است.

۲- گسترش زیر بخشهای کاربر، مانند طراحی و دوخت پوشاک، با توجه به این موضوع که صنایع نساجی، پوشاک و چرم در کاربر بودن فرایند تولید (با توجه به تحقیقهای انجام شده در این زمینه) مزیت دارند.

۳- با توجه به ارزشبری بعضی از فعالیتهای صنایع نساجی که مواد اولیه آنها باید با صرف ارز از خارج تأمین گردد، به تقویت قسمتهایی از صنایع که متکی به منابع داخلی است پردازیم.

۴- قوانین و مقررات صادرات و واردات با هدف توسعه صادرات تدوین شود.

۵- با توجه به آن چه که گفته شد، حداقل در دوره کوتاه مدت، امکان کسب منافع و سود، از الحاق به سازمان تجارت جهانی برای این بخش وجود ندارد، لذا طی یک دوره زمانی، ضروری است ضمن رفع مشکلات و موانع موجود، تدابیر لازم برای ایجاد فضای مناسب فراهم شود و بخش غیردولتی نیز تقویت گردد.

فهرست منابع

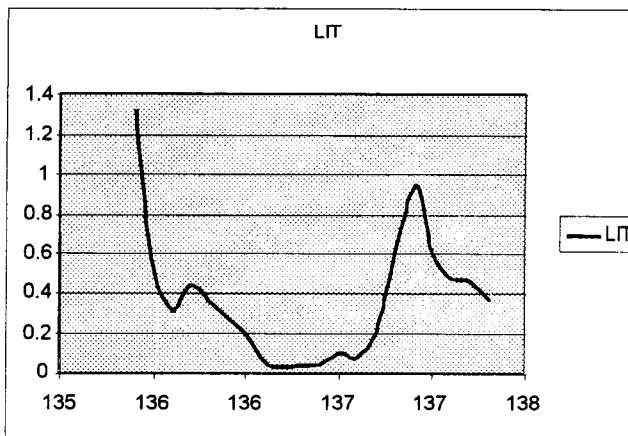
- ۱- بهکیش، محمد مهدی؛ اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن؛ ج ۱، نشرنی، ۱۳۸۰.
- ۲- پوراحمدی میبدی، حسین؛ "جهانی شدن اقتصاد و منطقه گرایی اقتصادی و تجاری"، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی؛ شماره ۱۵۵ - ۱۵۶.
- ۳- راهنمای تجاری دور اروگونه؛ مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.
- ۴- "رایزنی و شناخت اقتصاد کشاورزی و توسعه"، فصلنامه پژوهشی مرکز مطالعات و برنامه ریزی اقتصاد کشور؛ وزارت کشاورزی، بهار ۱۳۷۴.
- ۵- سیف، احمد؛ "جهانی شدن تولید و تجارت"، مجله اندیشه و جامعه؛ شماره ۲۰، ۱۳۷۸.
- ۶- صداقت، پرویز، "سرشت جهانی شدن و زمینه های جهانی شدن"، ماهنامه بورس؛ شماره ۲۰.
- ۷- قریب، حسین؛ "جهانی شدن و چالشهای امنیتی جمهوری اسلامی"، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی؛ شماره ۱۶۷ و ۱۶۸، ص ۵۸، ۱۳۸۰.
- ۸- قزلسقلی، محمد تقی؛ "جهانی شدن، رویارویی یا همزیستی"، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی؛ شماره ۱۵۵-۱۵۶، ۱۳۷۹.
- ۹- کمیجانی، اکبر؛ تحلیلی پیرامون تجارت، تجربه عملی پیوستن برخی از کشورها به سازمان تجارت جهانی (WTO) و آثار الحاق ایران به آن؛ وزارت امور اقتصاد و دارایی، معاونت اقتصادی، ۱۳۷۴.
- ۱۰- گات، نتایج حاصل از مذاکرات دور اروگونه و آثار آن؛ مرکز تحقیقات و بررسیهای اقتصادی، نشریه اتاق بازرگانی و صنایع و معادن.
- ۱۱- گزارش اقتصادی و ترازنامه؛ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، سالهای مختلف.
- ۱۲- نورانی، سیدمحمد رضا؛ "جهانی شدن کشورهای در حال توسعه و ایران"، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی؛ شماره ۱۵۵-۱۵۶، ۱۳۷۹.
- ۱۳- نوری، کیومرث؛ جهانی شدن اقتصاد و اثرات آن بر کشاورزی ایران؛ مطالعه موردی گندم، بروج، پسته و خرما؛ پایان نامه دکترا، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد، ۱۳۷۹.

- 14- Beer, Linda & Boswell Terry.(2001); "The Effect of Globalization on Inequality; A Gross-National Analysis ", **Approx.Word Account**; 10,927
- 15- Makhija,M.V,Kim , k and Willimson ,s.d.(1997); " Measuring Globalization of Industries using a National Industry Approach: Empirical Evidence Across five Countries and Over Time ", **Journal of International Bussiness Studies(jibs)**; fourth quarter 1997.
- 16- Saeger, S. (1997); "Globalisazation and Deindustrialization: Myth and Reality in the OECD", **Weltwirtschaftliches Archiv**; 133, 579-608.

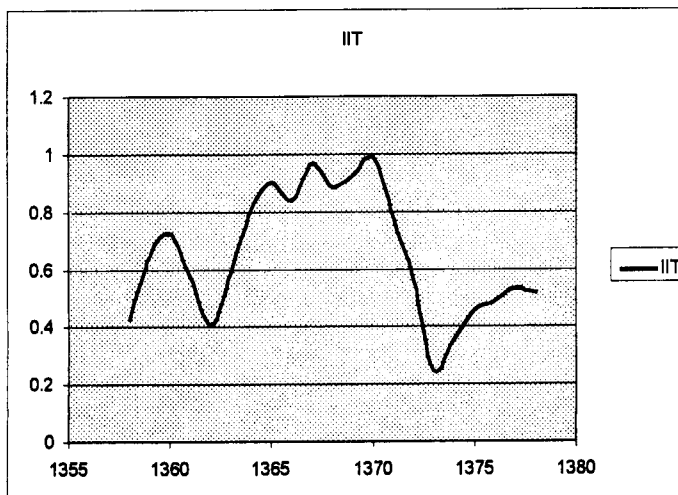
ضمیمه:

| | |
|------------------------|--------------------------------------|
| جهانی یکپارچه (D) | جهانی شدن (C) |
| چند جانبه داخلی (A) | چند جانبه داخلی در حال انتقال (B) |

نمودار (۱) - انواع صنعت بین المللی



نمودار (۲) - شاخص LIT (معیار سطح تجارت بین المللی)



نمودار (۳) - شاخص IIT (معیار ادغام تجارت بین المللی)

جدول (۱) - بررسی همگرایی مدل (آزمون ایستایی باقیمانده تخمین تابع تولید)

| سری زمانی | نوع آزمون | مقدار آماره با عرض از مبدأ | مقدار آماره با عرض از مبدأ و روند | مقدار آماره بدون عرض از مبدأ و روند |
|---------------------------------------|-----------|----------------------------|-----------------------------------|-------------------------------------|
| باقیمانده تابع | DF | -۳/۸۳ | -۴/۱۸ | -۳/۷۷ |
| DF مقادیر بحرانی آزمون در سطح ۱۰ درصد | DF | -۲/۶۵ | -۳-۲۷ | -۱/۶۲ |

مأخذ: یافته های تحقیق

جدول (۲) - کارآیی فنی صنایع نساجی، پوشاک، چرم

| سال | EFF | سال | EFF |
|------|--------|------|--------|
| ۱۳۵۸ | ۰/۷۶۱۱ | ۱۳۶۹ | ۰/۷۹۱۰ |
| ۱۳۵۹ | ۰/۸۰۷۳ | ۱۳۷۰ | ۰/۸۲۶۵ |
| ۱۳۶۰ | ۰/۷۹۹۵ | ۱۳۷۱ | ۰/۷۱۱۸ |
| ۱۳۶۱ | ۰/۸۵۸۸ | ۱۳۷۲ | ۰/۶۸۷۱ |
| ۱۳۶۲ | ۰/۸۸۸۳ | ۱۳۷۳ | ۱ |
| ۱۳۶۳ | ۰/۸۶۷۹ | ۱۳۷۴ | ۰/۷۹۰۷ |
| ۱۳۶۴ | ۰/۸۴۴۱ | ۱۳۷۵ | ۰/۷۳۵۵ |
| ۱۳۶۵ | ۰/۶۹۸۴ | ۱۳۷۶ | ۰/۸۰۳۴ |
| ۱۳۶۶ | ۰/۷۰۸۶ | ۱۳۷۷ | ۰/۶۷۵۵ |
| ۱۳۶۷ | ۰/۸۶۰۴ | ۱۳۷۸ | ۰/۸۸۹۱ |
| ۱۳۶۸ | ۰/۸۷۵۷ | | |

مأخذ: یافته های تحقیق

جدول (۳) - بررسی همگرایی مدل (آزمون ایستایی باقیمانده تخمین اثر جهانی شدن بر

کارآیی فنی صنایع نساجی، پوشاک، چرم)

| سری زمانی | نوع آزمون | مقدار آماره با عرض از مبدأ | مقدار آماره با عرض از مبدأ و روند | مقدار آماره بدون عرض از مبدأ و روند |
|---------------------------------------|-----------|----------------------------|-----------------------------------|-------------------------------------|
| باقیمانده تابع | DF | -۳/۵۰ | -۳/۵۴ | -۳/۵۲ |
| مقادیر بحرانی آزمون در سطح ۱۰ درصد DF | DF | -۲/۶۶ | -۳/۲۸ | -۱/۶۲ |

مأخذ: یافته های تحقیق

جدول (۴) - بررسی همگرایی مدل (آزمون ایستایی باقیمانده تابع صادرات)

| سری زمانی | نوع آزمون | مقدار آماره با عرض از مبدأ | مقدار آماره با عرض از مبدأ و روند | مقدار آماره بدون عرض از مبدأ و روند |
|---------------------------------------|-----------|----------------------------|-----------------------------------|-------------------------------------|
| باقیمانده تابع | DF | -۳/۵۳ | -۳/۴۳ | -۳/۶۷ |
| مقادیر بحرانی آزمون در سطح ۱۰ درصد DF | DF | -۲/۶۶ | -۳/۲۸ | -۱/۶۲ |

مأخذ: یافته های تحقیق